

معارف زبان و تعلیم زبان و ادبیات

■ دکتر خسرو فرشیدورد

زبان را در هر یک از این جنبه‌ها و جلوه‌ها یکی یکی بررسی کرد. این جنبه‌ها و جلوه‌ها عبارتند از: ۱- فراگرفتن زبان مادری، ۲- یادگیری زبان خارجی.

الف- معارف زبان و آموزش زبان مادری
میدانیم زبان مادری خود گونه‌ها و جلوه‌های مختلفی دارد که نقش دستور و علوم و معارف زبانی در آموزش هر یک از آنها متفاوت است. در اینجا به سه گونه از آنها اشاره می‌کنیم: ۱- زبان گفتار، ۲- زبان نگارش و معاصر، ۳- زبان نگارش قدیم.

۱- زبان گفتار مادری و دستور و جلوه زبان - دستور و علوم و معارف زبانی در آموزش زبان گفتار مادری هیچ تأثیری نداشته و ندارد، زیرا کودک تا سن چهار سالگی قسمت اعظم ساختمان دستوری زبان گفتار خود را می‌آموزد بدون آنکه خواندن و نوشتن بداند و بتواند بکتابهای دستور مراجعه کند، وانگهی کسی تاکنون ب فکر آموختن زبان گفتار از راه دستور نبوده است و همچنین کسی کتابی هم در این زمینه، یعنی در زمینه تعلیم

می‌برند اما اطلاع از این دانشها سبب می‌شود که این کار را بهتر انجام دهند و مختصر اشتباهات گفتاری و نگارشی خود را هم برطرف کنند. پس چنانکه گفتم دستور و علوم زبانی برای زبان مانند زیست شناسی و بهداشت است برای بدن و غلط نویسی و غلط گوئی نیز در واقع بیماریهای زبانیست که علت آن گاهی رعایت نکردن و ندانستن علوم زبانیست. دیدیم که آموختن زبان از دو راه باید صورت گیرد؛ یکی تمرین و آموزش مهارتهای عملی که اساس کار است و این کار مانند تمرین رانندگیست که نقش مهمتری در یاد گرفتن رانندگی دارد و دیگر داشتنی اطلاعات نظریست که در حکم آگاهی از آئین نامه رانندگیست و این اطلاعات نظری برای زبان آموزی چیزی جز دستور و علوم و معارف زبانی نیست. باری پس یکی از مهمترین فواید دستور و علوم و معارف زبان کمک کردن بزبان آموزیست و از آنجائی که زبان آموزی جنبه‌های مختلفی دارد و آنرا باقسامی می‌توان تقسیم کرد، باید نقش دستور و علوم و معارف

اینک فواید و هدفهای دستور و معارف زبان را یکی یکی شرح می‌دهیم:

۱- معارف زبان و زبان آموزی

دستور زبان و علوم و معارف زبان، شناخت زبان را آسانتر می‌سازند و در نتیجه بسزبان آموزی کمک می‌کنند بخصوص در تعلیم زبان بخارجیان و دانشجویان زبانهای قدیم تأثیر بسیاری دارند.

فایده علوم زبانی و دستور برای نویسندگی و شاعری مانند فایده زیست شناسی و طبست برای رعایت بهداشت بدن؛ زیرا بدن انسان بدون اطلاع، از علوم زیستی هم کارگردش خون و هضم غذا را انجام می‌دهد اما آگاهی ما از این علوم موجب می‌شود که بدن خویش را باری دهیم تا کارهای خود را بهتر انجام دهد. برعکس غفلت و جهل نسبت به علوم یاد شده ابتلای بیماری را تسهیل می‌کند. علوم زبانی نیز چنینند زیرا مردم بدون آگاهی از این علوم هم در بیشتر موارد زبان خود را درست بکار

دستورزبان گفتار مادری بکودک نوشته است. درحالیکه همه مردم زبان گفتار خود را آموخته‌اند.

۲- معارف زبان و آموزش زبان نگارش معاصر - دستور و علوم و معارف زبانی در این مورد هم نقش اساسی ندارد ولی از چند لحاظ مفید است:

نخست - برای کاربرد صحیح زبان.

دوم - کمک بمعلم در تدریس فارسی.

سوم - در واژه‌سازی.

چهارم - در رواج صورتهای فصیح و شیوای زبان.

نخست - نقش معارف زبان در کاربرد صحیح زبان رسمی معاصر - کاربرد صحیح زبان نگارش و رسمی، بیشتر از راه زیاد خواندن و زیاد نوشتن ممکن میگردد و دستور و علوم زبانی در این مورد بعنوان نیروی کمکی این فایده‌ها را دارند:

۱- کتاب دستور و زبانشناسی اگر فصیح نوشته شده باشد، مانند هر کتاب دیگری موجب تمرین و پیشرفت زبان آموزست.

۲- قواعد و تمرینهای کتاب دستور وسیله‌ایست برای بهتر آموختن زبان.

۳- مسائل پیچیده و مشکوک و ناشناخته زبان نگارش را حل میکند. زبان نگارش و نوشتار از طرفی بسیار وسیع و پیچیده است و فرا گرفتن آن مستلزم مطالعه و تمرین فراوانست و از طرف دیگر مردم مجال زیادی برای مطالعه همه مواد آن را ندارند در نتیجه همه قواعد آن از راه مطالعه و تمرین آموخته نمیشود و زبان آموز هر قدر هم تمرین کند و کتاب بخواند و بنویسد، باز صورتهای دستوری ناآشنائی برمیخورد که برای حل آنها ناچار است از دستور و زبانشناسی مدد گیرد. مثلاً نویسنده‌ای میخواهد بسأخر «لیبی» یا «اتیوپی» یا «اندونزی»، «ی» نسبت الحاق کند، او می‌بیند که طبق قاعده باید بگوید «لیبی» و

«اتیوپی»، «اندونزی»، اما این تلفظ نفیست و سپس مشاهده میکند که رادبو میگوید: «لیبیائی»، «اندونزیائی» و «اتیوپیائی». بنابراین باین فکر میآفتد که کدام صورت صحیحتر و بهتر است. برای کشف حقیقت ناگزیر است بمعلم دستور زبان و یا بکتابهای دستور مراجعه کند. همچنین اگر کسی نداند که طرز نوشتن «ی» و «و» وحدتی که به «ی» مصدری میچسبند چگونه است و بخواند قاعده آنرا بیاموزد و بخواند بداند که مثلاً «بزرگتی» را چگونه باید بنویسند؟ بصورت «بزرگتی» یا «بزرگتی‌ای» یا «بزرگتی‌ی» و یا بشکلی که دیدیم؟ و یا اگر فارسی آموزی بخواند بیاموزد که «به» حرف اضافه یا «می» را باید بکلمه بعد چسباند یا باید آنها را جدا بنویسد باز ناچار است بکتاب قواعد خط مراجعه کند. نظیر اینگونه موارد؛ یعنی موارد مشکوک و پیچیده در زبان مادری فراوانست. برخلاف بعضی از قواعد دستوری که پیچیده نیست و نیازی بسآموختن دستور ندارد. مثلاً همه فارسی زبانان میدانند که «آن» و «این» پیش از موصوف میآیند، نه بعد از آن. یعنی بصورت «آن کتاب» و «این کتاب» استعمال میگردد. نه بشکل «کتاب آن» و «کتاب این» و یاد دادن چنین قاعده‌ای باهل زبان زاید و در حکم توضیح واضحاتست.

دوم - رواج صورتهای ادبی و فصیح زبان - دیگر از فواید دستور و علوم زبانی در زبان آموزی، کمک بفصاحت و شیوانویسی مردمست. یعنی پیشنهاد و تجویز آن صورتی از زبانست که زیباتر و ادبی‌تر و فصیح‌تر است و این مهمترین فایده دستور از زمانهای قدیم تا امروز بوده است، بیشک اگر دو صورت و دو گونه از زبان از لحاظ رسائی و پیام‌رسانی دارای شرایط مساوی باشند و اگر بکار بردن یک صورت بجای صورت دیگر برسانی سخن خللی وارد نسازد البته بهتر است صورت ادبی‌تر و زیباتر را استعمال کنیم. مثلاً وقتی

تلگرافات و تلگرافها و پیشنهادات و پیشنهاد از لحاظ معنایی یک ارزش را دارند و هر دو نیز صحیحند، بهتر است صورت تلگرافها پیشنهادها را بکار بریم زیرا ادیبان آنر فصیح‌تر و مناسبتر میدانند. بنابراین برخلاف آنچه برخی زبان‌شناسان میگویند، دستور علوم زبانی باید گاهی هم جنبه تجویزی داشته باشند و در رهبری زبان بکار روند منتها تجویز صورتهای فصیح و زیبا و رایج زبان را تجویز کنند نه آشکال منسوخ و متروک آن را، زیرا تجویز چنین صورتهای از زبان و تسرویه فصاحت بهیچوجه برخلاف اصول زبانشناس نیست بلکه این کار خود نوعی رهبری زبان دادن طرح برای آنست که خود یکی از شغله زبانشناسی است، نهایت آنکه در رهبری زبا و در تشخیص فصاحت و زیبایی، باید صاحبه ذوق بود و روشی معتدل داشت و در این امر بهیچوجه نباید دستخوش جمود و کهن‌پرست گردید.

یادآوری - برای فارسی زبانان «ات خوش آهنگ‌تر از «ها» است و شاید یکی ا عوامل رواج آن نیز همین امر باشد. شاید ترجیح «ات» بر «ها» در بعضی از موارد بایه سبب باشد که تلفظ «ه» برای ایرانیان ثقیلسه و بهمین علت نیز «ها» در زبان گفتار تبدیل به «ا» میشود و در نتیجه مردم میگویند: «پسرا»، «دختر» بجای «پسرها» و «دخترها»، معناه چون ادباء و اهل قلم «تلگرافها» و «پیشنهادها» را ادبی‌تر از «تلگرافات» و «پیشنهادات» میدانند و حتی صورتهای دوم را غله می‌شمارند، بهتر است صورتهای نخست را بکار برد.

سوم - معارف زبان و تدریس زبان مادری - معلم هنگام تعینم زبان مادری برای تحلیل معنی کردن جمله‌های مشکل و برای نصیحی انشاء و آموزش املاء و تلفظ، ناچار است ا دستور و علوم زبانی و اصطلاحات آنها یاره

جوید؛ از اصطلاحاتی مانند: فاعل، مفعول، فعل، پسوند، پیشوند، معنی حقیقی، معنی مجازی، صامت، مصوت و هجا. و بدون این اطلاعات و اصطلاحات تحلیلی زبان در کلاس درس ممکن نیست. مثلاً تدوین و تعلیم قواعد املاء بدون اصطلاحات و اطلاعات دستوری عملی نیست زیرا املاء بیش از هر چیز با دستور سروکار دارد بخصوص با سیاب آواشناسی و مبحث حروف و واجهای آن. زیرا خط و حرف نشانه کتبی اصوات و ملفوظات زبانست و ناچار قواعد خط باید با قواعد اصوات زبان ارتباط و همبستگی داشته باشد. باری بحث درباره املاء بدون آگاهی از صامتها و مصوتها و هجاها و واجها ممکن نیست، بنابراین در واقع املاء نیز شعبه‌ایست از دستور و مبحث واجشناسی آن و درس املاء بیش از انشاء با دستور مربوطست.

گفتیم املاء مهمترین درس برای درست نویسی است و دیدیم که این فن نیز تابع دستور و مبحث آواشناسی آنست. از این رو دستور در اینجا برای ما دو فایده دارد؛ یکی برای تنظیم قواعد املاء که فایده آن مستقیم است، دیگر برای درست نویسی که نتیجه آن غیرمستقیم است و از راه املاء صورت میگیرد.

و همچنین یکی از فواید دستور زبان و معارف و علوم زبانی برای تعلیم زبان کمک این معارفست یعنی کردن لغات و فهم عبارات و مباحثی که برای این منظور بیشتر مفید است مبحث مجاز و حقیقت و سیاق صرفست. زیرا قواعد صرف بفهم معنی لغاتی که محصل تازه با آن برمیخورد کمک میکند. مثلاً وقتی اولین بار کلمه «گفتار» یا «زبان» یا «پویه» را می بیند، از راه تجزیه دستوری این لغات بعناصر سازنده آن پی میرود و درمییابد که «ار» و «ه» در این کلمات چه معانی دارند و از این راه میتواند معنی کلمات یاد شده را زودتر و آسانتر فرا گیرد، ازاینرو آموختن قواعد صرف

بخصوص یاد گرفتن معانی مختلف پسوندها و پیشوندها و ساختمانهای ترکیبی و افعال و حروف اضافه نه تنها برای تسلط بر ترجمه و لغت سازی بسیار سودمند است، بلکه موجب میشود که شاگردان لغات تازه را هم زودتر، معنی کنند و آنها را سریعتر فرا گیرند.

چهارم - آموختن لغت سازی بشاگرد - درباره اهمیت لغت سازی و ترجمه برای زبان فارسی پس از این سخن خواهیم گفت. در اینجا تنها باین نکته اشاره میکنیم که معلم دستور در درس صرف میتواند شاگردان را برای این کار آماده سازد و آنها را بهترین در این زمینه وادارد.

۳ - معارف زبان و آموزش زبان قدیم مادری - آموزش زبان قدیم مادری، مسانند فارسی دری کهن بدستور آن زبان نیاز بسیار دارد؛ زیرا زبان قدیم تاحدی در حکم زبان بیگانه است و زبان بیگانه را هم بدون دستور نمیتوان فرا گرفت، ازاینرو فارسی دری قدیم بدستور بیشتر نیاز دارد تا فارسی امروز. مثلاً برای فهم متون قدیم لازمست که ما معانی متعدّد «را»، «به»، «از»، «چون» و «اگر» را بدانیم و همچنین لازمست که نقش دستوری «ی» شرطی و تمنائی و حروف اضافه پسین مانند «بر» و «اندر» در «بتر بر» و «بشهر اندر» و معنی صیغه‌هایی مثل «رفتانی» و «رفتیمی» را فراگیریم، در غیر اینصورت از فهم شعر و نثر قدیم عاجز خواهیم ماند.

البته برای تعلیم زبان قدیم باید دستور توصیفی همان زبانها را نوشت و تعلیم داد وگرنه دستور معاصر در این امر فایده چندانی ندارد. از مباحث مفید دستور که بکار تعلیم زبانهای قدیم میآید، مقولات ترکیب و اشتقاقست. بنابراین تعلیم معانی مختلف پسوندها و پیشوندهای قدیم برای این منظور بسیار سودمند است. زیرا در آن زبان شماره پسوندها و پیشوندها بمراتب بیش از امروز

بوده است و این عناصر در زبان قدیم معانی متعدّد و فعالیت بیشتری داشته‌اند که آموزش آنها نیاز باگاهی از صرف و دستور کهن دارد. باری آموختن معانی مختلف پسوندها و پیشوندهای قدیم و تجزیه لغات بعناصر سازنده آن کمک بسیاری بآموزش فارسی آن دوره میکند و فی‌المثل دانستن معنی «ی» در کلماتی مانند «آموختنی» و «خوردنی» و فایده و قوف بر معنی «دش» در واژه‌هایی مسانند «دشنام» و «دشمن» بر کسی پوشیده نیست.

ب - معارف زبان و آموزش زبان بیگانه و ترجمه

هر کسی مقدار زیادی از قواعد زبان مادری خود را در نتیجه تمرین و بر اثر قرار داشتن در محیط زبان میآموزد و بنابراین برای آموزش آن، آنقدرها نیازی بآموختن جداگانه دستور و قواعد زبان ندارد اما برای زبان خارجی چنین نیست و چون زبان آموز تسلط کافی بر زبان بیگانه‌ای که مشغول آموختن آنست ندارد و در نتیجه علاوه بر تمرین یعنی خواندن و نوشتن و سخن گفتن بسیار، باید دستور آن زبان را هم بیاموزد. مهمترین مباحث دستور برای کمک بدانشجویان زبان خارجی این مباحثست: فعل، آواشناسی، حروف اضافه، حروف ربط، ضمیر و ساختمان جمله، چه دانشجو بدون خواندن دستوری که با تمرین تسوأم باشد، استعمال صحیح آنها را نخواهد آموخت و از آنجا که یکی از مهمترین قسمتهای زبان بیگانه همین مباحثست، بدون فراگرفتن آن درست گفتن و خواندن زبان خارجی غیرممکنست. درحالیکه آموزش جداگانه این موضوعات برای زبان مادری چندان مفید نیست، زیرا زبان آموز بیشتر آنها را خود در ضمن عمل یعنی در ضمن سخن گفتن و خواندن و نوشتن فرا گرفته است. باین سبب هر چه ما با زبانی بیشتر آشنا باشیم و در آن تمرین بیشتری داشته

باشیم، از دستور آن بی نیازتریم و هر چه با آن کمتر سروکار داشته باشیم بدستور آن بیشتر نیازمندیم؛ بنابراین اگر بخواهیم فارسی را بعنوان زبان خارجی بیگانگان تدریس کنیم، دستور فارسی برای این کار بسیار لازم خواهد بود و شک نیست که شیوهٔ تعلیم دستور فارسی بخارجیان و مواد برنامهٔ آن با آنچه و آنطور که باهل زبان درس می‌دهیم تفاوت فراوان خواهد داشت. در تعلیم دستور برای فارسی زبانان باید بجزئیات و استثناءها نیز پرداخت ولی در آموزش دستور بخارجیان فرصت چنین کاری نیست.

برای آموختن زبان بیگانه نه تنها فراگرفتن دستور آن زبان بما کمک می‌کند، بلکه آگاهی از دستور زبان مادری یا دستور زبان دیگر نیز باین امر یاری می‌دهد زیرا تسلط بر دستور یک زبان فراگرفتن دستور زبان دیگر را هم آسان می‌سازد؛ چه وقتی ما معنی شخص و وجه و فعل و صفت و قید را در دستور فارسی بدانیم، فراگرفتن این معانی در دستور انگلیسی و فرانسه و عربی نیز آسانتر خواهد بود، بخصوص که اولاً دو زبان از یک خانواده باشند، ثانیاً آنکه دستور هر دو زبان طبق یک اصل و روش نوشته شده باشد و اصطلاحاتی معادل و نظیر هم داشته باشند. گفتیم بهتر است دستور زبان بیگانه‌ای که در کشوری تدریس می‌شود با دستور زبان مادری طبق اصول واحدی نوشته شده باشد؛ یعنی اگر این یک براساس ضوابط سنتی است، آن یک نیز چنین باشد و اگر این دستور ساختاریست، آن یک نیز همینطور باشد و از آنجا که بیشتر دستورهای تعلیمی جهان طبق روشها و اصول سنتی، طبقه‌بندی شده است و از آنجا که در همهٔ اینها کلمات بهشت یا نه قسم تقسیم شده است (اسم، فعل، ضمیر، قید، صفت، صوت، حرف اضافه، حرف ربط) و صفات نیز باقسامی از قبیل: اشاری، مُبهم، بیانی،

پُرشی، عددی و غیره منقسم گردیده است، تا جائیکه با اصول علمی مغایرت ندارد بهتر است ما هم در نوشتن دستورهای خود باین مسائل پای بند باشیم.

بنابراین یکی از هدفهای دستور نویسی ما باید کمک بفراگرفتن دستور زبان خارجی باشد و چون اکثر دستورهای تعلیمی خارجی سنت گراست، خوبست دستورهای تعلیمی ما هم سنتی باشند، اما این اصول در آنها مراعات شده باشد؛ اولاً عیبهای دستورهای سنتی قدیمی را نداشته باشند، ثانیاً از زبانشناسی جدید الهام بگیرند بدون اینکه صرفاً ساختگرا یا نقش گرا یا تنویدی باشند، بی آنکه در گرایش بسوی زبانشناسی راه افراط پیموده شود.

از طرفی چون زبان عربی و دستور عربی را هم در مدارس خود میخوانیم، خوبست تا جائیکه ممکنست و تا جائیکه تغییر اصطلاح ضرورت ندارد، همان اصطلاحات دستور عربی را بکار ببریم؛ مانند: اسم، فعل، مُسند، فعل مُسند، فعل معلوم، فعل مجهول، فعل لازم، فعل متعدی. نه نهاد، گزاره، فعل ناگذر (پجای لازم و متعدی). بنابراین تغییر غیر لازم اصطلاحات که بعضی از دستورنویسان آنرا نشانهٔ نوآوری و تحقیق تازه می‌دانند بسیار مُضر است و موجب آشفتنگی آموزش دستور می‌گردد و تغییر اصطلاحاتی، مانند فاعل و مُسند، البته بنهاد نه تنها امر آموزش دستور زبان مادری را مختل می‌کند، بلکه آموزش دستور عربی را که سخت مورد نیاز ماست دشوار می‌سازد.

البته مُراد از هماهنگ کردن مقولات دستوری زبان فارسی با عربی و انگلیسی و فرانسه پیروی کورکورانه از آن دستورها نیست، چه بیگمان مسائل بسیاری در آن زبانها وجود دارد که در فارسی نیست؛ مانند حرف تعریف و اعراب و منصرف و غیر منصرف و

کلمات مُعرب و مبنی و کلمات تغییر ناپذیر (در فارسی همهٔ کلمات مبنی و تغییر ناپذیرند) و بسیاری دیگر. شک نیست که بکار بردن اصطلاحات مربوط باین مسائل و تراشیدن معادلهائی برای آنها در فارسی اشتباه، بزرگیست. البته تذکر این مسأله که زیاده از فارسی از لحاظهایی که ذکر شد با عربی و انگلیسی و فرانسه تفاوت دارد مفید است و کار زبان آموزی و ترجمه را آسان می‌نماید و بی بردن باین تفاوتها نیز مستلزم نوشتن دستور مقابله‌ای فارسی با انگلیسی و عربی و فرانسه است. همچنین مستلزم متعادل کردن و هماهنگ ساختن مقولات و طبقه‌بندیها و اصطلاحات آن دو زبانست و چنین کاری هم سبب بهتر یاد گرفتن دستور زبان مادریست و هم موجب تقویت دستور زبان خارجیست که خود نقش عظیمی در آموختن آن زبان دارد.

کمک معارف زبان پترجمه - یکی از فواید عمدهٔ دستور زبان فارسی، استفاده از آن در ترجمه است که خود نوعی فراگرفتن زبان بیگانه و برگرداندن آنست بفارسی.

بعضی از مباحث دستور فارسی برای ترجمه کردن مفیدتر است و آن مباحث ترکیب و اشتقاق و ساختمان کلماتست، زیرا ترجمه‌گر باید اصطلاحات علمی و هنری و فنی زبان بیگانه را بفارسی برگرداند و مهمترین مبحثی که در این امر باین مهم یاری می‌کند مبحث لغت سازیست؛ یعنی شعبه‌ای از مبحث ترکیب و اشتقاق. از این راه می‌توان خدمت بسیاری بگسترش و غنای زبان فارسی کرد، مانند خدمتی که سازندگان واژه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، نخست‌وزیر، معنی‌شناسی، سبک‌شناسی، ملی‌گرایی و صدها مانند آن زبان فارسی کرده‌اند. دیگر از مباحثی که بکار ترجمه میخورد همان مباحث مجاز و معانی مختلف مجازی کلماتست.

ادامه دارد